هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادگرند مطمئناً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم –سال دوازدهم – شمارهٔ نهم ٤ جوزای ١٣٩٢ ١٥ رجب ١٤٣٤ - 25 May 2013



در میان ملت های جهان با هر دین و فرهنگ که باور داشته باشند می توان دو ارزش را مشاهده کرد.یکی مبارزه در برابر استبداد داخلی و دیگری مقاومت و دفاع در برابر استکبار و تجاوز خارجی است.

از سخنان رهبر شهید

به سوی مجمع عمومی
همراه و با گام های فشرده

□ فقیری

جمعیت اسلامی افغانستان، برای برگزاری مجمع عمومی جمعیت (کنگره)، آمادگی می گیرد. آمادگی های لازم برای این همایش بزرگ، در آخرین روز های حیات رهبر شهید، تندی گرفت و آن رهبر دلسوز، اواخر ماه میزان ۱۳۹۰ را برای این تجمع بزرگ، برگزیده بودند...دست آلوده و ناپاک تروریست ها، این دشمنان دین و آئین ما، آن هستی بزرگ و آن رهبر فرزانه را از میان ما گرفت و جنات خداوندی نصیب او باد!

همه می دیدیم و می دانستیم که رهبر جمعیت، تا چه اندازه تلاش داشت تا این مجمع بزرگ زودتر دایر شود و نظام حزبی جمعیت اسلامی افغانستان، پس از سالیان دراز، به صورت اصولی و منظم رهبری گردد.

ما رهروان راه جمعیت و شاگردان رهبر شهید به خوبی می دانستیم و احساس می شد که رهبر ما بی بدیل است و اصولاً کسی در صف جمعیت، حاضر نیست تا با رهبر به مقابله برخیزد... همه اطمینان داشتیم که رهبر بلامنازع جمعیت، شخص ایشان خواهد بود ولی تشکیلات جمعیت، نیازمند بازبینی و اصلاح است

ص۳

پیام تسلیت
بمناسبت شهادت الحاج محمد رسول محسنی رئیس شورای ولایتی بغلان



با تأسف فراوان اطلاع یافتیم که الحاج محمد رسول محسنی رئیس شورای ولایتی، ولایت بغلان توسط دشمنان صلح و استقرار مردم افغانستان ناجوانمردانه به شهادت رسیده است. آری! دشمنان سوگند خوردهٔ مردم افغانستان بار دیگر دست خود را به خون یکتن از فرماندهان جمعیت اسلامی در سال های دشوار مقاومت کشورمان آلوده کردند.

بدون شک دشمن همیشه افراد و عناصر کار آزموده و مهم را هدف قرار می دهد تا بتواند خیلی به سادگی و آسانی به هدف شوم و ناپسند خود دست یابد، ولی ما بارها گفته ایم و بازهم می گوییم که ترور افراد، اشخاص و عناصر مهم نه تنها که نمی تواند ملت ما را به تسلیمی وا دارد، بل هنوز آب دیده و آماده شان می سازد. من به نمایندگی از خود و تمام منسوبین جمعیت اسلامی افغانستان، شهادت الحاج محمد رسول محسنی را به مردم مجاهد و مسلمان ولایت بغلان و خانوادهٔ محترم شان تسلیت عرض می دارم و از بارگاه ایزد منان برای وابستگان ایشان صبر جمیل و برای آن شهید بزرگوار بهشت برین خواهانم.

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته

صلاح الدین ربانی

سرپرست جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح

۳۰ ثور ۱۳۹۲ خورشیدی

کابل- افغانستان

همکاری افغانستان و هند، فرصت ها و چالش ها

هندوستان نه تنها خواهان داشتن روابط نزدیک با افغانستان است بلکه درصدد آنست تا از مسیر افغانستان با آسیای میانه هم رابطهٔ تجارتی برقرار سازد. در شرایطی که پاکستان درصدد است بعنوان یک قدرت منطقوی با کشور های منطقه رابطهٔ نزدیک تر داشته باشد، پاکستان بعنوان یک همسایهٔ مشکل آفرین همچنان فراراه این اهداف هند قرار دارد.



◇ وحید مژده

سفر اخیر حامد کرزی به هندوستان با سر و صدای فراوان توام بود. این سفر به دنبال برخورد های مرزی میان افغانستان و پاکستان صورت گرفت و گفته شد که تقاضای کمک نظامی از هند در راس اجندای این سفر قرار دارد. در این سفر هندوستان وعده سپرد که به کمک هایش به افغانستان ادامه خواهد داد اما در مورد چگونگی کمک نظامی به جزئیات خبری به نشر نرسید.

بعد از سقوط رژیم طالبان، هندوستان فرصت مساعدی برای برقراری رابطهٔ نزدیک با افغانستان یافت. دولت جدید در کابل که بعد از سال ۲۰۰۱ به رهبری حامد کرزی شکل گرفت، رابطهٔ نزدیک با کشور هندوستان برقرار کرد که سرانجام به امضای قرارداد استراتژیک در سال ۲۰۱۱ میان دو کشور انجامید و پارلمان افغانستان هم آنرا تصویب نمود. قرارداد استراتژیک با هندوستان اولین قرارداد استراتژیک افغانستان با یک کشور دیگر بود که عملا جنبهٔ اجرائی یافت.

ص۲

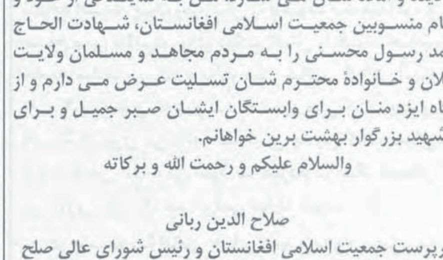
قانون انتخابات تصویب شد

◇ مصباح شعیب

انتخابات های یک دههٔ پیش که به اساس فرمان تقنینی رئیس جمهور کرزی انجام یافت، در نبود یک قانون قابل قبول برای همه، سروصدا هایی را در پی داشت. اما بعد از انتظار سرانجام قانون جدید انتخابات، چهارشنبهٔ هفتهٔ گذشته بعد از بحث های طولانی با افزایش نُه ماده و تغیر در چند مادهٔ دیگر آن، از سوی مجلس نمایندگان به تصویب رسید. به گفتهٔ مولوی نذیر احمد حنفی رئیس کمیسیون تقنین ولسی جرگه به رسانه ها، "ما ۱۳ جلسهٔ مشترک را با اکثریت نماینده گان کمیسیون ها و گاه گاهی اتفاق کمیسیون ها و گاه گاهی با نماینده گان گروپ های پارلمانی انجام دادیم. ما در بخش های متعددی تغییر آوردیم. اصل قانون که از طرف حکومت ارسال شده بود (۷۰) ماده داشت، ما در آن اصلاحات آوردیم و برای غنامندی قانون حداقل ۲۰ ماده تزئید شده است. اینکه نحوهٔ تقلب کدام مورد است و تخلف کدام مورد است."

ص۷

قانون منع خشونت علیه زنان، نیازمند توجهٔ بیشتر مخالفان و موافقان



◇ اندیشه

مدافعان حقوق زنان در پیچ و خم های تصویب قانون منع خشونت علیه زنان باز هم با موانع مواجه شدند. در حالی که قرار بود قانون منع خشونت علیه زنان در مجلس، پس از بحث، به تصویب نمایندگان برسد، اما اکثریت اعضای مجلس، با ایراد گرفتن از قانون منع خشونت علیه زنان، آن را در تناقض با قوانین اسلامی خوانده و از تصویب آن جلوگیری کردند.

ص۶

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ١٣٥٧ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس:وزیر محمد اکبرخان سرک١٥کوچه B5خانه نمبر٢٦٢
شمارهٔ تلفن:٠٧٨٨٤٠٨٦٣٥ / ٠٧٧٢٠٣٦٤١٢
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

نا امنی ها و حملات انتحاری نگرانی اصلی مردم

افزایش نا امنی، حملات انفجاری و انتحاری منجر به بروز نگرانی های شدید در میان شهروندان کشورما شده و صدمهٔ کلان آن را با گذشت هر روز می بینند و تحمل می کنند. در حملهٔ انتحاری اخیر در بغلان که رئیس شورای ولایتی با بیش از بیست نفر کشته و زحمی شدند و پیش از آن در کابل و قندهار تعدادی از هموطنان ما جان های شیرین شان را از دست دادند، بر نگرانی های شهروندان کشور افزوده است.

سا ل هاست دشمنان تعریف ناشدهٔ مردم افغانستان، با انفجار و انتحار از شهروندان، سران و افراد صاحب نفوذ جامعه قربانی می گیرد. به امنیت و ثبات کشور صدمه می رساند، با هر رویداد دلخراش، نیروهای مسلح مخالف دولت مسؤولیت را به دوش می گیرند، هیچ گونه جایگاه حقوقی برای حکومت افغانستان قایل نیستند، اما دولت در مقابل سیاست شفافی که قناعت شهروندان کشور را حاصل نماید، از خود نشان نداده است. یک روز آنان را دعوت به مذاکره و صلح می نماید، روزی دیگر آنان را افراد خوب جامعه خطاب می کند و برادر می خواند، گاهی آنها را به گروپ های خوب و بد تقسیم می کند، باری وابستهٔ کشوری می داند، که این چنین گفته های ضد و نقیض سبب می شود تا مردم در یک فضای بی باوری و در یک سر درگمی مواجه شوند.

در پشت نا امنی های کشورما و در حمایت نیروهای مخالف مسلح دولت، کشورها و دستگاه های استخباراتی و با تجربهٔ قوی سیاسی وجود دارند. دولت این چالش کلان را با یک برنامهٔ مدبرانه می تواند از سر راه کشور و مردم افغانستان بردارد.

از آنجایی که جنگ و نا امنی بحران آفرین است – بحران سیاسی، بحران اقتصادی، بحران فرهنگی، بحران اجتماعی و ... – پس تا وقتی که راه درست و اساسی را پی نگیریم و از جانب دولت مردان حاکم، صادقانه و دلسوزانه احساس مسؤولیت نشود، بحران زایی ادامه می یابد. در انجام کار، کشور و مردم افغانستان در تمام عرصه ها متضرر خواهند شد. پس بر حکومت افغانستان است تا به نگرانی ها و اضطراب مردم نقطهٔ پایان بگذارد و برای نجات مردم از شر این هیولای خطر ناک چاره اندیشی نماید.

همکاری افغانستان و هند، فرصت ها و چالش ها

ادامه از صفحهٔ اول

روابط اقتصادی با هندوستان:

افغانستان و هند از دیر باز خواهان توسعهٔ روابط اقتصادی با همدیگر اند اما اختلاف میان پاکستان و هند مانع توسعهٔ این روابط بوده است. راه مهم ترانزیتی افغانستان از پاکستان می گذرد و این کشور در تمام قرارداد های ترانزیتی با افغانستان، روابط تجاری از مسیر ترانزیتی خود را در رابطه با هندوستان محدود ساخته است.

اما در طول یازده سال گذشته و در شرایطی که پاکستان وضع ناگوار اقتصادی و امنیتی را تجربه می کرد، فرصت مناسبی برای هندوستان میسر شد تا با وجود ابراز حساسیت از جانب پاکستان، با افغانستان رابطهٔ نزدیک برقرار نماید. در طول این مدت هندوستان به افغانستان به ارزش دو میلیارد دالر کمک اقتصادی کرد و نیز تمایل خود را برای سرمایه گذاری در سکتور معادن افغانستان ابراز نمود که امضای قرارداد استخراج بزرگترین معدن آهن افغانستان یعنی معدن آهن حاجی گک دست آورد مهم آنست.

هندوستان نه تنها خواهان داشتن روابط نزدیک با افغانستان است بلکه درصدد آنست تا از مسیر افغانستان با آسیای میانه هم رابطهٔ تجارتی برقرار سازد. در شرایطی که پاکستان درصدد است بعنوان یک قدرت منطقوی با کشور های منطقه رابطهٔ نزدیک تر داشته باشد، پاکستان بعنوان یک همسایهٔ مشکل آفرین همچنان فراراه این اهداف هند قرار دارد.

چاه بهار، گزینه ای برای دور زدن پاکستان:

دسترسی به این اهداف نیاز به داشتن یک راه ترانزیتی مطمئن را در صدر اهداف استراتژیک هند قرار داده است. در شرایطی که چین با ساختن بندر گوادر در بلوچستان پاکستان، قصد دارد تا در دهانهٔ یکی از مهمترین تنگه های استراتژیک جهان از نظر تامین منابع انرژی حضور داشته باشد، هند بعنوان رقیبی برای هند، قراردادی با ایران را برای توسعهٔ بندر چاه بهار در بلوچستان ایران به امضا رسانیده است. هندوستان می خواهد از طریق این بندر، رابطهٔ نزدیک با افغانستان و آسیای میانه برقرار سازد. استفاده از منابع معدنی افغانستان ایجاب می نماید تا هندوستان بر سرگزینهٔ چاه بهار بعنوان مسیری برای دور زدن پاکستان استفاده نماید.

اهمیت امنیت افغانستان برای هندوستان:

ناگفته پیداست که وقتی کشوری قصد سرمایه گذاری در کشور دیگری را دارد، نخستین اولویت برای وی، مصوونیت سرمایه گذاری هایش در آن کشور است. در یک کشور درگیر جنگ و ناامنی، چنین امنیتی متصور نیست. اما هندوستان بعنوان رقیب منطقوی برای کشور چین، نمی خواهد در میدان افغانستان از چین عقب بماند. از جانب دیگر امریکا هم با وجود داشتن رابطهٔ نزدیک با پاکستان، در میدان افغانستان از نقش هند در همه زمینه ها استقبال می نماید. این مسئله در تنش روابط میان پاکستان و امریکا تاثیر داشت.

بنا براین افغانستان جائی است که دو کشور هند و چین در آن منافع مشترک دارند و این منافع مشترک اقتصادی با تامین صلح در افغانستان متصور است تا سرمایه گذاری های آنان مصوون باشد و همین موضوع می تواند به نزدیک تر شدن روابط میان دهلی جدید و بیجنگ برسر منافع مشترک در افغانستان کمک کند.

اما در این میان پاکستان در موقف دشواری قرار می گیرد؛ در حالی که پاکستان با چین روابط نزدیک دارد، نمی خواهد شاهد نفوذ هندوستان در افغانستان باشد اما اسلام آباد بسرعت ابزار هائی را از دست می دهد که می توانست برای ایجاد نا امنی در افغانستان و در نتیجه دور نگهداشتن هند از صحنهٔ افغانستان از آن سود ببرد. تلاش برای ناامن ساختن وضع به منظور محدود ساختن فعالیت های هندوستان در افغانستان مخالف منافع چین نیز خواهد بود. از جانب دیگر سرمایه گذاری هند در بندر چاه بهار روابط میان هند و ایران را نزدیک تر می سازد و همگرائی منطقوی را که ایران بدنبال آنست، تقویت می نماید و حتی نیاز افغانستان به راه ترانزیتی پاکستان را در آینده کاهش می دهد. اینجاست که پاکستان خود را در پالیسی افغانستان خویش روز بروز منزوی تر احساس می کند.

با توجه به این شرایط، حامد کرزی در سفر به هند یک هدف مهم را دنبال می نماید؛ او که از امریکا و غرب برای کمک به نیروهای نظامی افغان سخت مایوس است، می خواهد از هندوستان خواهان تجهیزات نظامی برای اردوی افغانستان گردد. تجهیزاتی که نبود آن موجب شد تا نیروهای افغان در برابر حملات نیروهای پاکستانی در مرزهای شرقی قادر به دفاع از سرحدات کشور نباشند.

کمک نظامی به افغانستان:

قبل از سفر کرزی به هند، عده ای از مقامات نظامی افغان به هند رفتند تا مذاکرات مقدماتی در مورد کمک نظامی با افغانستان را با مقامات هندی آغاز نمایند. هندوستان دارای وسایل نظامی است که اکنون اردوی این کشور از آن استفاده نمی کند اما می تواند برای اردوی افغانستان کارآمد باشد.

از جانب دیگر هندوستان در گذشته از مشتریان اسلحهٔ اتحاد شوروی هم بوده است، بنا براین انجنیران نظامی هندی می توانند اردوی افغانستان را در این عرصه کمک نمایند. هندوستان از قبل برای آموزش افسران نظامی افغان در کشور خویش ابراز آماده گی کرده و تعدادی از آنان همین اکنون مشغول تحصیل در هند اند. مقامات افغان حتی قبل از سفر رئیس جمهور کرزی به هند، تقاضای افغانستان از هند برای کمک نظامی را در صدر اجندای این مذاکرات دانستند.

اما با توجه به حضور نیروهای امریکائی در افغانستان، این تصور دشوار است که هندوستان بدون چراغ سبزی از جانب امریکا بخواهد به افغانستان کمک نظامی نماید. پس می توان گفت که تصمیم هند برای کمک نظامی به افغانستان یک تصمیم سیاسی است که امریکا با آن موافق نباشد، صورت نخواهد گرفت.

امریکا علاقمند است تا بعد از سال ٢٠١۴ قدرت های منطقوی را به منازعهٔ افغانستان شامل سازد و به این ترتیب خود را از این جنگ طولانی کنار بکشد. بعضی از روزنامه های امریکا حتی از امکان فرستادن نیروهای هندی به افغانستان نیز سخن گفته اند اما با توجه به این تجربه که هیچ قدرت خارجی از راه جنگ امکان برد در افغانستان را ندارد، گمان نمی رود که هندوستان به فرستادن سرباز به افغانستان تمایلی داشته باشد.

حساسیت پاکستان:

نیروهای امریکائی با کمک پاکستان توان سرنگونی رژیم طالبان در افغانستان را یافتند و قبل از حمله، پاکستانی ها توافقات پنهانی با امریکائی داشتند؛ هند نباید در افغانستان دارای نقشی قدرتمند باشد، نیروهای نظامی افغان نباید بحدی توانمند گردند که برای پاکستان خطر ایجاد نمایند و آب هایی که از افغانستان به پاکستان می رود نباید مهار گردد... اما اکنون در آستانهٔ سال ٢٠١۴ به نظر می رسد که لااقل در مورد هند، سیاست امریکا در حال تغییر است.

اکنون پاکستان با نگرانی شاهد تحول در روابط میان هند و افغانستان است. این کشور قادر به رقابت اقتصادی با هند در افغانستان نیست و در عین حال بصورت روز افزون گزینهٔ ترویج خشونت و جنگ در افغانستان را نیز از دست می دهد. مخالفت پاکستان در تامین صلح در افغانستان که در جریان دفتری برای طالبان در قطر دیده شد، ناشی از همین نگرانی است.

اگر افغانستان بتواند از هند وسایل نظامی لازم برای تقویت نیروهای افغان را بدست آورد، درآنصورت این توافق، ارزش قبول خشم پاکستان را دارد، اما اگر این سفر هم نوعی نمایش به منظور تحت فشار قراردادن پاکستان باشد، تاثیری معکوس ببار خواهد آورد.

انتخابات اخیر در پاکستان زمینه را برای تفاهم حکومت جدید با طالبان پاکستانی فراهم کرده است و این خلاف خواست هائی است که تاکنون حکومت افغانستان مطرح نموده است، از آن جمله از میان بردن مراکز طالبان در آنسوی سرحد. بنا براین امید اینکه رابطهٔ حکومت افغانستان با دولت جدید در پاکستان بهتر از گذشته باشد، زیاد عملی به نظر نمی رسد.

کشیده شدن پای هند به کمک نظامی به افغانستان برای دولت کابل می تواند هم یک فرصت باشد و هم چالش های سختی را بدنبال داشته باشد. اگر راه صلح همچنان مسدود باقی بماند، احتمال چالش های فراگیرتر بعد از سال ٢٠١۴ بدور از تصور نیست.

اهمیت و جایگاه احزاب سیاسی (اپوزیسیون) در انتخابات ۱۳۹۳

◇ نذرالله عنایت

به تعقیب تحولات پس از سال ۲۰۰۱ میلادی، مردم افغانستان در همکاری با جامعهٔ جهانی پایه های اساسی اما لرزان حکومتداری را گذاشتند. در این مدت رغم خیلی از نارسایی ها و چالش هایی که هنوز دامنگیر مردم است، به برخی از دست آورد ها در عرصه هایی مختلف نایل گردیدند که گه گاهی این دست آورد ها توسط مقامات دولتی به ویژه شخص رئیس جمهور، به رخ شهروندان و جامعهٔ جهانی کشیده شده است.

اما چیزی که برای بهینه سازی ثبات در حال و آیندهٔ سیاسی کشور، بسیار قابل اهمیت می نمایاند، رشد و حمایت نهاد ها و احزاب سیاسی در اشکال مختلف بود که متأسفانه طی این مدت هم دولت افغانستان و هم جامعهٔ جهانی عطف توجه بدان کمتر نموده اند.

به همین خاطر است که امروز فضای سیاسی کشور، نسبت به هر زمان دیگر ملتهب و شکنند به نظر می رسد و هر شهروند آگاه از خود می پرسد که نظام آینده چگونه نظامی خواهد بود؟

این که چرا طی این مدت برای بهینه سازی فرهنگ سیاسی، ساختار و بنیاد های قوی مردمی، توجه نشد عوامل و فکتورهای ویژهٔ دارد که در امتداد ابعاد ملی و فرا ملی دامن گسترده است.

در بُعد ملی در واقع ما حزب نیرومند و ملی تا هنوز نداریم. احزاب سیاسی که در دورهٔ مشروطیت شکل گرفته بودند، در فقدان تفکر ملی و وابستگی های بیرونی نتوانستند به راه خود ادامه دهند. برخی جریان های جهادی که در اوایل با سردادن شعارهای مرگ بر کمونیسم و زنده باد اسلام، بر ضد اتحاد جماهیر شوروی سابق شکل گرفته بودند، در پی رخدادهای دههٔ ۷۰ خورشیدی و مداخلهٔ کشورهای بیرونی به رویکردهای مذهبی، قومی دچار تفرقه شدید و بعضاً مصروف نبرد با جریان های تکفیری، القاعده و تروریسم بین المللی گردیدند که در نهایت توفیق نیافتند تا به توسعهٔ احزاب سیاسی مردمی بپردازند. فضای ملتهب و ذهنیت هایی مسموم شده در دورهٔ دموکراتیزه سازی نظام افغانستان، نیز ملموس بود. بدین گونه افغانستان طی ده سال گذشته از داشتن احزاب ملی گرا با تنوع قومی آن، محروم ماند. امروز در افغانستان پس از ده سال حزبی سیاسی وجود ندارد که مردم بدان اعتماد نمایند و برای زعامت سیاسی پس از سال ۲۰۱۴ به او رأی بدهند. از سوی دیگر فضای سیاسی ایجاد شده پس از ۱۱ ستمبر ۲۰۰۱ در اوج بی باوری، خود محوری و برتری جوی هایی قومی و گروهی چانس تأسیس احزاب مردمی را از جریان های مطرح سیاسی در داخل کشور گرفت.

در همین حال امریکا و سایر اعضای ناتو که خوبترین سهم را در امر مبارزه با تروریسم داشتند در پهلویی حمایت همه جانبه از حکومت، باید متعهد به ساختن نهادهای مردمی می بودند. اما دوستان بین المللی در اثر مشوره هایی نادرست برخی از چهره هایی نان و نمک خورده در آن جا، به جایی اینکه از جریان های مردمی به ویژه نیروهای حوزهٔ مخالف طالبان که قاعدتاً در سخت ترین شرایط در کنار مردم بودند، حمایت می کردند، به فکر تجزیه و پارچه سازی آنان شدند. خلع سلاح و کنار زدن آنان از قدرت نمونه هایی بارز آن بود.

این رویکرد از آن جا ناشی می شد که برخی از جریان های فراری از غرب برگشته، در اوایل خود را میراث خوار امریکا قلمداد می نمودند. خوب به یاد دارم در سال ۱۳۸۲ خورشیدی که دانشجوی سال نخست دانشگاه بودم روزی خبرنگار امریکایی با ترجمان افغانی اش به دانشگاه کابل آمده بود و با دانشجویان روی اوضاع جاری کشور به مباحثه پرداخت. یکی از جوانان دانشجو حرف هایی ضد امریکایی به زبان راند و در واقع سیاست های این کشور را در افغانستان و منطقه به نقد گرفت. پیش از اینکه خبرنگار امریکایی به داوری بنشیند و پاسخ گوید، آقای ترجمان که مردی مسن به نظر می رسید در مقام دفاع برخواست و جوان هموطنش را تهدید به مرگ نمود. مداخلهٔ سفیرامریکا آقای خلیلزاد و لخضر ابراهیمی نمایندهٔ سازمان ملل در امور افغانستان مثل آفتاب روشن است. این گونه رفتار ها و احساس بزرگی نمودن در پناه دیگران و خود را فاتح جنگ دانستن، بذر بی اعتمادی را در میان مردم افغانستان و جامعهٔ جهانی پاشاند.

دوستان از غرب برگشته حضور دیگران را در عرصه های مختلف دست کم گرفتند و خود را مالک الرقاب شهروندان درد دیدهٔ افغانستان احساس می کردند. موج از تبلیغات و دسایس برعلیه نیروهای مخالف طبیعی طالبانیسیم از سوی این دوستان شروع شد و القاب جنگ سالار و ناقضین حقوق بشر حربه هایی بودند که به آدرس آنان پرتاب گردید و بدین گونه با جو سازی فضایی کاذب سیر تحول طبیعی جریان های سیاسی را نا مطمین ساخت. اما گذشت زمان، ادامهٔ جنگ و برگزاری چندین انتخابات نشان داد که جریان های تأثیر گذار در کشور، متعلق به جریان هایی بودند که ایستادند و نیروهای مقاومت را رهبری کردند.

در همین حال عدم درک و فهم درست از جامعه شناسی افغانستان از یک طرف و دنبال کردن برنامه های نمادین لیبرال دموکرات از نوع امریکایی آن، در یک کشور جهان سومی، از سوی دوستان بین المللی روند سامان مند، فعالیت های سیاسی را به کندی مواجه ساخت.

در واقع رویکرد حمایت های بی قید و شرط آمریکا و دنیای غرب از جریان های ضعیفی که در فقدان ظرفیت و ماهیت به سر می بردند و پایه های مردمی شان در داخل کشور متزلزل بود، آسیب های جدی را به روند شکوهمند احزاب سیاسی وارد نمود. از سوی دیگر سیاست ادامهٔ حمایت از افراد، به جای حمایت از جریان های تودهٔ و مردم گرا، آهنگ رو به رشد اپوزیسیون یا حاکمیت بدیل را به رکود مواجه ساخت.

در حالی که انتقال مسوولیت های امنیتی در ۲۰۱۴ به طور کامل به جانب افغانستان تحویل داده می شود، اغلباً در تاریخ متذکره انتقال قدرت مبتنی بر قانون اساسی از طریق برگزاری انتخابات صورت می گیرد.

همانگونه که سال پار در نشست بن دوم روی واگذاری مسوولیت های امنیتی پس از سال ۲۰۱۴ توافق شد، قرار بود روی انتقال قدرت نیز تماس گرفته شود، اما در نبود اپوزیسیون قوی که بتواند اعتماد مردم افغانستان وجامعهٔ جهانی را فراهم سازد، روي این شاخص تماس گرفته نشد. مقامات امریکایی بارها گفته اند که در انتخابات از هیچ فردی حمایت نمی کنند، اما از پروسه حمایت خواهند نمود. تحولات و دگرگونی های امروزی، ضرورت ایجاد یک اپوزیسیون منسجم، آگاه و کارآمد را هر چه زودتر می طلبد. وزارت عدلیه شاهد ثبت بیش از صد حزب سیاسی در کشور می باشد. اما این احزاب بیشتر در روی کاغذ حضور دارند، تا در میان توده های مردمی.

تنها می تواند از چند حزب و جریان سیاسی مانند جمعیت اسلامی افغانستان، حزب اسلامی به رهبری ارغندیوال، افغان ملت، جبههٔ ملی به رهبری احمد ضیاء مسعود، ائتلاف ملی به رهبری دکتر عبدالله عبدالله و حزب حق وعدالت، نام برد. اما در مورد این جریان ها نیز پرسش های مطرح می باشد، آیا این گروه ها با توجه به تجربه های اتحاد و اختلافات که در گذشته با یک دیگر داشته اند، می توانند در آینده پرقوت عمل نموده و یا این که مثل گذشته به دنبال امتیاز خواهی و گرفتن چند کرسی در حکومت بسنده خواهند کرد.. تجربهٔ که در بحبوبهٔ دور دوم انتخابات ریاست جمهوری، جبهه ملی گروه پرقدرت را از هم پاشانید و برخی از شخصیت ها با رویکرد نو، تکیه بر هرم آقای کرزی، کسی که بیشترین امکانات دولتی را در اختیار داشت نمودند و بدین گونه تیشه به ریشهٔ اپوزیسیون نو پا در کشور زدند و خود را به مقام های بلند دولتی چسپاندند. ده سال گذشته، فرصت مناسبی بود برای تأسیس یک حزب ملی. حزبی که می توانست قدرت بدیل در دههٔ تحول باشد. اما فقدان آن از همین حالا محسوس بوده و مردم را نسبت به آینده مشکوک و نامطمین ساخته است. قانون اساسی کشور که نظام دموکراتیک ومردمی را با رأی اکثریت، نوع نظام سیاسی مردم تبیین و تجویز کرده است باید جریان های سیاسی با الهام به آن به دامن مردم خود را بچسپانند، زیرا نظام مردم سالار در غیاب جریان های پایدار سیاسی بی مفهوم می نماید. این نظام وقتی شکل می گیرد که مردم در پرتوی تیوری های سیاسی به یک ساختار و میکانیزم رأی بدهند. در این شکی نیست، اگر احزاب و جریان های سیاسی بتوانند چهرهٔ واقعی یک اپوزیسیون را با خود بگیرند و با برنامه و ساختارمند پیش بروند، امیدی برای پیروزی آنان در انتخابات ۱۳۹۳ متصور است.

به سوی مجمع عمومی...

ادامه از صفحهٔ اول

و باید اعضای کنگره در مورد این تشکیلات تصمیم بگیرند...

امروز که رهبر محبوب ما به جوار حق پیوسته و آرمان های بزرگ او از جمله، صلح و آشتی میان مردم افغانستان و برگزاری کنگرهٔ جمعیت اسلامی، ناتمام مانده و برآورده نگردیده، همه در انتظار برگزاری کنگره و سرعت کار شورای عالی صلح هستیم... همه می دانند که جناب صلاح الدین ربانی از سوی شورای رهبری جمعیت و همه بزرگان ما، به اتفاق آراء به حیث سرپرست جمعیت تعیین گردیده اند و این سرپرستی تا زمان تدویر مجمع عمومی جمعیت است. همچنین جناب شان از سوی رئیس جمهور کشور و با مشورهٔ جمعی اعضای شورای عالی صلح، به حیث رئیس این شورا برگزیده شده اند... رئیس جمهور بارها و در ملاقات ها با رهبر شهید و بعد با اعضای جمعیت، در مورد فهم، تحصیل و کاردانی رئیس ربانی به تکرار صحبت داشته و به او اعتماد کرده است... جناب رئیس صلاح الدین ربانی، یکی از کاندیداهای ریاست جمعیت اسلامی افغانستان است و در صحبت ها و بیانیه های خویش از همه جمعیتی ها دعوت کرده است تا افراد مورد نظر خود را برای این مسؤولیت بزرگ (رئیس حزب جمعیت اسلامی) نامزد نمایند و بار ها گفته است، در صورت برنده شدن کاندیدای دیگر، خودشان به حیث فرد اول به او تبریک خواهند گفت...

گفتنی است که استاد عطا محمد نور والی نامدار بلخ و از شخصیت های معروف دوران جهاد و مقاومت و سازندگی، در جلسهٔ عمومی افراد جمعیت، انصراف شان را اعلام و از شخص صلاح الدین ربانی نام بردند که نامزد خوب برای ریاست جمعیت است...

ما به نفع کدام برادر کمپاین و یا تبلیغ نمی نماییم، بلکه واقعیت ها را بازگو می کنیم و یک بار دگر از همه جمعیتی ها تقاضا می نماییم تا با صبر و حوصلهٔ کامل و همه باهم در یک صف به خاطر ادای رسالت تاریخی، اسلامی و ملی خویش و هم به خاطر خشنودی روان پاک رهبر شهید، با کمال اخلاص و صداقت در این امر مهم سهم بگیریم و در فضای اخوت و برادری اسلامی، کنگره را برگزار نماییم و کاندیدای مورد اتفاق اعضای شامل کنگره را به حیث رئیس جمعیت و با این مسؤولیت بزرگ، به کرسی بنشانیم.

سعی، تلاش و اخلاص برادران جمعیت و رهنمایی های مدبرانهٔ رهبر شهید ما، چراغ راه برگزاری کنگره خواهد بود.

د پاکستان نوی حکومت ته...

چې د رښتوني سولې ليار خپله کړي نه وي؛ چې د افغانستان د سولې عالي شورا هم غواړي مخالفينو سره د زور پر ځای د سولې منطق خپل کړي. خو سوله خپل شرايط او آداب لري چې هغه دواړو دولتونو ته خپلول پکار دي؛ که په رښتوني معنا د سولې هڅې ومنی دا د دواړو هيوادونو لپاره په ګټه ده چې د خپلمنځي باور بيدا کولو له لياري هر يو خپلو ولسونو ته په حقوقو قايل شي او د ميم زور ما فلسفه پرېښودل شي.

کيداې شي چې د نوازشريف ګوند دغه منطق وکاروي او امريکا پدې قانع کړي چې له بمباريو څخه لاس واخلی خو تر څو چې د سيمې په دواړو هيوادونو کې د اسلامي ارزښتونو او اسلامي حکمونو د پلي کولو په رښتوني توګه تابيا ونه نيول شي او د دواړو هيوادونو چارواکي، کار د کار ور خلکو ته په سپارلو او د فساد او خيانت په مخنيوی سره خپل ولسونه قانع نکړي او ډله ايزی رسنی. د اسلامي او ملي ارزښتونو څخه په پيروی مکلفې نشي، نا ممکنه بريښي چې د سيمې په دواړو هيوادونو کې طالب اوريکې عمليات ختم شي او هم د دواړو هيوادونو واکمنان د يو بل د ملي حاکميت او خمکنی بشپړ تيا د احترام عملي ثبوت وړاندې نکړی. نو څکه اړينه ده چې د امريکا سره د خپلو ستونزو د حل پر ځاې ګاونديان په خپلو کې ځان يو بل ته باوري کړي او له پخوانيو ترخو تجربو څخه په عبرت اخستنې سيمه ايز قوت پيدا کړاې شي او په سيمه کې د امنيت د راوستلو له لياري له منځنی آسيا سره د سوداګری د دروازې د خلاصولو له لياري د دواړو هيوادونو اقتصاد ته وده ورکړاې شي؛ څکه اوس په نړی کې روانې سيالی اقتصادي دی او اقتصادي پياوړتيا د سيمې د امنيت پورې تړلې ده.

پاکستان د يو ډير نفوسه هيواد په توګه له پراخې سوداګری پرته نشي کولاې خپله اقتصادی پياوړتيا ترلاسه کړی يا يې وساتي، د چين د صدراعظم وروستی سفر لومړی هندوستان ته او بيا پاکستان ته، هم ددې خبرې ثبوت دی: که هر څومره چين د پاکستان استراتيژيك دوست اوسي خو تر څو چې يې د سيمې د نورو هيوادونو سره خپلې لانجې د سولې د سياست له لياري نه وي هوارې کړې بيا هم د يو غټ اقتصادي څواك هيواد صفت لرنې سره سره دې ته اړ شو چې هندوستان ته سفر وکړي او څه موده مخکې د هماليه لوړې څوکې اړوندې يوې سيمې په سر راپورته شوې مساله حل کړي. همدارنګه پاکستان هم نشي کولاې چې د سرې جګړې لوبې تر اوسه تکرار کړي او بايد د افغانستان سره (چې دوه نيم زره اوږده پوله ورسره سرحد لري) خپلې مسألی د ورورګلوی او دوه اړخيزې اقتصادی همکاری له لياري حل کړي: څکه که پاکستان د خپلې سياسي بقاء لپاره دې ته ډيره اړتيا لري چې د ځان په پرتله د هندوستان له افغانستان سره اړيکې يا يې په افغانستان کې نفوذ کم کړي؛ چې د پاکستان د ناسالم او غير مثبته سياست لامله دا وضع رامينځته شوی، چې د هغې ثبوت د کرزي وروستی سفر هم دی چې هندوستان ته يې ترسره کړ او هندوستان يې ډير ګرم هرکلی وکړ نو پاکستان ته پدې هم پوهيدل پکار دي چې افغانستان ډير دوستان لري او د خپل ځانګړي جغرافيوی موقعيت له مخې يې د نړی ډير هيوادونه دوستی ته علاقمند دي نو نواز شريف هم بايد د افغانانو سره د پاکستان د دوه مخې سياست پاليسی عواقب درك کړي او داسې سياست پلی کړي چې افغانان د هند سره د دوه اړخيزې همکاری په ځاې پاکستان سره د دوه اړخيزې همکاري غوښتونکي شي

بلې خوا ته د پاکستان وروستيو تاکنو په ډاګه کړه چې ولس د درواغو سياست نه منې: د نورو په اوږو ټوپك ايښودل او خپل ولس سره دښمنې ستونزې نورې هم غټوي.

د طبيعي پېښو زيانونه او د اړوندو ادارو بې تفاوتي

◇زهير افغان

افغانستان دخپل ځانګړي جغرافيوي مؤقعيت له مخې داسې يوه سيمه چې دبلابېلو ډولونو طبيعي پېښو د رامنځته کېدو انتظار پکې هره شېبه کېداې شي؛ څکه که دهندوکش د غرونو سلسلې پوښلو ولايتونو ته نظر واچوو نو دتاريخ په اوږدو کې پدې سيمو کې د هيواد د نورو سيمو په پرتله زلزلې زياتې رامينځته شوي او که له لوړو سيمو او په ځانګړې توګه له غرونو څخه راغزيدلو درو او شېلو او بيا د هغو امتداد ته وګورو نو هره هواره او پراخه سيمه مو هم دسېلابونو له ګواښ سره مخ ده. او همدارنګه د هيواد جنوب او جنوب لويديځې سيمې مو بيا د طوفاني بادونو له ګواښ سره مخ وي لکه د قندهار، هلمند، زرنج او د هرات تر ولايت پورې ولايتونه او سيمې چې دموسمي بادونو او تېزو سيليو سره وخت ناوخت مخ کيږي؛ لکه چې په نږدې تېرو ورځو کې د يو طوفاني باد له کبله د ناټو او امريکائي ځواکونو ځينو چورلکو او جهازونو هم سخت آغېز ولېده، او وروسته د شديد وربښت او سختې ږلې له امله ډير فصلونه د هيواد په بيلا بيلو برخو کې زيان وليده. او بلې خوا ته په سالنګونو کې د ژمي په موسم کې د هغې بنديدل او د ډېرو زياتو واورو ښوئيدل او برف کوچونه بلـه هغه طبيعي پېښه ده چې په باميان او سالنګونو کې ډيري پيښيږي.

خو د بادونو په پرتله زلزلې، سيلابونه او برف کوچونه بيا ډير تلفات لري چې نږدې کلونه وړاندې د هيواد په شمالي ولايتونو کې يوځلې يوې درنې زلزلې په سلګونو تنه وژلي وو او بيا له هغې وروسته د بدخشان، تخار او بغلان په ولايتونو کې هم داسې ورته زلزلې او د ځمکې شلېدل او ښوئېدل رامينځته شوی وو؛ څو هفتې وړاندې د ريکټر په اندازه څه کم شپږ درجې زلزلې دهيواد په ختيځو ولايتونو لکه: ننګرهار، کنړ او لغمان ولايتونو کې يې چې درانه تلفات رامنځته کړل: د ننګرهار په نږدې ټولو ولسواليو کې يې دلسګونو په شمير کورونه ونړول او هم يې د کنړ او لغمان په ځينو ولسواليو کې درنه مرګ ژوبله اړولې وه، چې اوه لس تنه پکې شهېدان او په سلګونو نور پکې ټپيان شوي دي او هم نږدې دېرش سلنه کورونو په ديوالونو کې يې چاودي رامنځته کړي دي. او بلې خواته بيا د همدې زلزلې سره يوځاې لومړی د بلخ او کندز په ولايتونو کې او وروسته د غزنې په ولايت او ځينو نورو ولايتونو په ځينو ولسواليو کې سيلابونو غټ تلفات رامنځته کړل، چې د امام صاحب، شولګرې او کشنده په ولسواليو کې او هم د غزنې په ځينو ولسواليو کې په سلګونو کورونه دغو سيلابونو نړولي او په زرګونو جريبه ځمکه يې هم له ځانه سره وړې ده، او تېرو دريو کلونو کې هم هر کال داسې سيلابونه د هيواد په بېلابېلو برخوکې د ګڼو ځاني او مالي تلفاتو لامل شوي دي؛ لکه دوه کلونه وړاندې د جلال آباد ښار په ختيځ او جنوب کې راوتې سيلابونو چې د لسګونو په شاخواکې او بيا يوځل په ټولو ختيځو ولايتونو او لوګر کې ورته سيلابونو ځمونږ د ډېرې هيوادوالو کورونه رنګ کړي وو او کرونده يې خرابې کړې وې چې دا ډول هر کال يې کله د بدخشان، کله کندز او تخار او کله هم د هيواد په جنوبي ولايتونو پکتيا او خوست کې ورته تاوانونه اړولې وو خو په هيواد کې پدې هکله اړونده د طبيعي آفاتو سره دمبارزې ادارې هرځل په خپلو دندو کې پاتې راغلې او له بلې خوا عام ولس هم د انساني او اسلامي ورورولی پربنياد د هغو سره د هغومره احساس څرګندونه نه کوي څومره چې ښايي، پداسې حال کې چې د اسلام دين دمرستې او همدردی دين دی او هر ځل يوازې حکومت پدې هکله ګرم ګڼل هم مناسب ندي.

که د حکومتي ادارو بې تفاوتی ته وګورو نو هغه خو څرګنده ده چې دغه ټول نظام له داسې وګړو جوړ دی چې په خپلو مزو او چرچو کې بوخت دي او يا پدې نيت دي حکومت او دولت کې شپېلول کوي چې وړاندې له دې چې سبا راوځېږي دوی په شپه کې هر څه تالاترغی کړي؛ څکه ددې نظام ډېرې واکمنې څېرې د وړتيا او تدريجي ارتقاء په معيارونو واك ته ندي رسيدلي.

خوله بده مرغه چې د مستی په نشو کې رامينځته شوې رسنی هم د خپل ولس په پرګنو باندې د طبيعي آفاتو او پېښو د راتګ پر مهال له الله جل جلاله څخه د وېرې احساس نه کوي؛ يوې خواته زلزلې نيم هيواد جړقولې وي او ياکوم بل طبيعي آفت ډېرې مېندې بورې کړې او ډېر ماشومان يې يتيمان کړي وي خو زمونږ صوتي او تصويري رسنی هماغسې د ټنګ ټکور او فاحشې موسيقی په زمزمو خپرولوسره نه يواځې دا چې د افغاني او اسلامي ارزښتونو پورې خندا کوي او نوی کول موبې لاړې کوي، بلکې دافغانيت او انسانيت پولې هم ماتوي او دخپل ولس په غمونو ځانونه بې تفاوته او له احساس څخه محروم انسانان ثابتوي؛ لکه چې ډېرو رسنيو د وروستيو پېښو هغه خبر هم خپور نکړ. دا ټول هغه څه دي چې افغان ولس يې دبې هدفه او له افغانيته لېرو رسنيو په ډېريدو سره او د واکمنانو د بې وسی او بې تفاوتی لامله وينې.

په بنګله ديش کې د يوې اتـه پوړيزې ودانی په راغورځيدو سره چې نږدې سل تنه يې شهيدان کړي وو، هيواد يې ماتم اعلانوي خو په يو وخت کې ځمونږ د کندهار او هلمند په لويه لاره د ٣٠٢ سرويس نږدې ټولې سپرلی چې خپل ژوند له لاسه ورکوي او د ختيځو ولايتونو زلزلې او د شمال او مرکز ولايتونو سيلابونو په ګډه له سلو زيات انسانانو د مرګ لامل شوي مګر افغاني رسنی پرې ځانونه هم نه پوهوي؛ افسوس پدې تمدن او له انسانيته لېرې فرهنګ او کلتور!!!

نیاز به قانونیت

تکساری

مردم افغانستان همواره از اجرای عدالت و قانونیت حرف می زنند، و حکومت را به کم کاری در زمینۀ عدالت انتقالی به فرجام مجرمان و آدم ربایان می نمایند. در سال های اخیر در کنار اخاذی، دزدی، مافیای زمین، قدرت و سرمایه آدم ربایی به یک پدیدۀ معمول تبدیل گردیده است. آدم ربایی، تجاوز های جنسی بالای اطفال و زنان از جمله پدیده های ننگین در یک کشور اسلامی مثل افغانستان است که همه روزه ما شاهد آنیم. آدم ربایی از جمله پدیده های شرم آور است که از طفل کوچک تا مرد کهن سال شامل حال این آدم ربایی می گردد. کمتر جنایت پیشه گان از طریق محاکم عدلی و قضایی به سرنوشت اعمال ننگین خود رسیده اند. از جملۀ حادثۀ اخیر هرات که دو ماه قبل صورت گرفت طفل یک تاجر ملی اختطاف و از ترس آنکه مبادا روزی این جرم افشاء گردد پس از اخذ پول فراوان آدم ربایان طفل را به قتل رسانیدند.

روزی که جنازۀ این نوجوان نامراد به گورستان انتقال می یافت، اعضای خانواده و تعدادی از مردم هرات در کنار تابوت نا امیدانه به سوی بهار می نگریستند و اشک حسرت از چشمان شان جاری بود. خدایا این چه امتحان سختی است که مرد پنجاه ساله یی فرزند خود را به شیوۀ ناجوانمردانه از دست می دهد و قربانی نامردی یی در سرزمین خود می گردد.

سر زمینی که حاصل و بازدهی آن خشونت، قتل، ترور، آدم ربایی، بی قانونی و نا امیدی است. در این روزهای اخیر بدون اختیار، روزی مشغول استماع اخبار و حوادث جدی در کشور بودم که محاکم عدلی و قضایی را در مورد طفل کوچک بنام علی سینا شنیدم که دو ماه قبل قربانی آدم ربایی گردیده بود که سر نوشت دو تن از جنایت کاران و آدم ربایان حرفه یی بعد از امضای حکمی از سوی رئیس جمهور محکوم به اعدام و پنج تن دیگر به جزا هایی مطابق احوال شان از سوی محکمه مجرم شناخته شدند. روزی که حکم اعدام این دو تن در هرات عملی می گردید، بدون تظاهر و ریا مردم از این حکم استقبال نمودند و آن را برای یک جامعۀ قانونمند برای افغانستان، به فال نیک گرفتند.

از این حادثۀ غم انگیر و فرجام آن نتیجه می گیریم که مردم افغانستان تشنۀ عدالت و قانون در کشور اند و چیزی که مردم به دنبال آن سرگردان اند، نبود عدالت و قانونیت در کشور می باشد. مردم انتظار دارند که عدالت صرف نظر از موقف اجتماعی افراد، بالای شهروندان این کشور تطبیق گردد. امروز صدها جنایت کار حرفه یی و آدم ربا در زندان های کشور به سر می برند و مردم منتظر اند تا حکم نهایی در مورد آن ها صادر شود تا عدالت الهی در سر زمین خدا تطبیق گردد؛ زیرا جاری شدن حدود و قصاص از شرایط جامعۀ اسلامی است و به هیچ وجه دولت و ارگان های عدلی و قضایی نمی توانند این حقی را که اسلام برای ورثه متضرر داده است بدون موجب سلب نماید. بدون جزای سنگین و کیفر خواست از جانب ارگان های عدلی و قضایی و سارنوالی، جنایت کاران معافیت کسب می نمایند و میزان جرایم و جنایت و ارقام آن در جامعه بالا خواهد رفت. از همین سبب است که اسلام قصاص را ادامه حیات خوانده است.

اگر در برابر هر چیزی از اغماض کار گرفته شود، حق حیات و زنده گی که از جمله حقوق اساسی شهروندان هر ملت است، زیر پا گذاشته می شود که در نتیجه آن یک جامعۀ زورمند، شکننده، ظلم پیشه و قانون گریز شکل می گیرد که به نفع یک جامعۀ اسلامی نیست و در چنین شرایط مصونیت زنده گی، حقوقی مردم از بین خواهد رفت و دیگر چیزی برای زنده گی باقی نخواهد ماند.

مردم این حرکت دولت را در این قضیۀ بخصوص به فال نیک می گیرند و ادامۀ آن را از دولت و محاکم عدلی و قضایی مطالبه می نمایند، هر نوع احمال و بی مبالاتی در فرو گذاشت از حقوق اساسی شهروندان ضرر بزرگی را برای جامعه، تشکیل و رشد جامعۀ سالم به وجود می آورد. به امید روزی که همه امور در زره بین حکم و عدالت و قانون به بررسی گرفته شود، تا مردم در سایۀ قانونیت و نظام حق و عدالت الهی زنده گی کنند. بدون تطبیق قانون و بازگشت به قانون نمی توان به سوی یک جامعۀ خوش بخت گام نهاد. در نبود تطبیق قانون، جرم، جنایت، شر و فساد در تمام طبقات اجتماعی رشد خواهد کرد و به طور سرسام آور جامعه را به نابودی خواهد کشانید.

دانشمندان به این باور اند که شر و فساد در نهاد انسان وجود دارد و در هر گروه اجتماعی شر و فساد و جنایت وجود دارد، در صورتی که یک عامل باز دارنده وجود نداشته باشد، این عوامل سرباز خواهد کرد و جامعه را به فساد و بی مبالاتی سوق خواهد داد. در پهلوی تعلیم و تربیۀ سالم، جامعۀ انسانی و آگاهی های دینی و حقوقی، عامل بررسی جرم و جنایت و کیفرهای دینی و اسلامی می تواند جلو یک سلسله جنایات و جرائم را در اجتماع محدود سازد. امید می رود که اعمال ناشایست و ناپسند شهروندان خطا کار و جرم پیشه این سرزمین مورد کیفر قرار گیرند تا مردم در سایۀ یک نظام عدالت گستر به زنده گی خود ادامه دهند.



چرا خشونت رو به افزایش است؟

سخی محمد صارم

خشـونت و پرخاشـگری و سرکشـی هـا عالمگیر شده است. گوشه یی از جهان نیست که از این التهاب و هیجان بر کنار باشد. بر نامه های تلویزیونی و رادیو ها با اخبار آدم کشی، جنایت، انفجار، دزدی، ارتشا و فساد، بدامنی، چور و چپاول، رشوه گیری، طلاق، بی ایمانی و سوء استفاده از مقام و منزلت دولتی، بی تفاوتی و بی خیالی، سر در گمی، قحطی و قیمتی، بی نانی، بی خانگی، بی کاری و ریا و مردم فریبی و زورگویی، اغواگری و تظاهر و تدلیس و اعمال شنیع و بد بختی آدمیان آغاز می شود. مردم زیر نفوذ رسانه های گروهی هر روز باید تماشاگر آشوب و اغتشاش باشند. علت اصلی خشونت و پرخاشگری محرکات محیط، سیاست دولت ها و احزاب شناخته شده است. اما ژن و عوامل ارثی عوامل بحران آور و همچنین بیماری های مغز و روان نیز به میزان کمتر مسؤول خشونت و خونریزی محسوب گردیده اند. آنچه در محیط خشونت زاست، جنبهٔ سیاسی و اقتصادی دارد که خواه ناخواه بر رفتار فردی و روابط اجتماعی اثر می گذارد . اکنون دموکراسی و بازار آزاد به صورت یک تظام جهانگرا سببِ ظهور ناگهانی اقلیتی بسیار مرفه و ثروتمند در میان انبوهی از مردم محروم و فقیر شده و مالاً طغیان و عصیان جهانی را به بار آورده است پژوهش های دانشگاه هاروارد و عوامل بحران زا را می توان به نکات آتی به اثبات رساند:

– قدرت بی تناسب یکتا ابر قدرت موجود امریکا که در برابر ارادهٔ خود حد و سدی نمی بیند و بسا اوقات که سازمان ملل متحد را برای اجرای نقشه های خود دور می زند و با بی اعتنایی به بازی می گیرد و در نتیجه همه جا در اعمال سیاست های خود با موج وسیعی از مخالفت ها رو به رو است. از کمونیست ها، سوسیالیست ها و صلح خواهان گرفته تا ملیت پرستان و حتا اروپائیانی که در نقشه های سیاسی آن کشور شریک اند، همه سیاست امریکا را با اصول مطلوب و مورد قبول، متناقض می دانند، تجربه نشان داده است که وقتی پای احساسات ملی در ممالک ضعیف تر به میان می آید همه چیز را نتیجهٔ اعمال قدرت آن کشور غالب می پندارند و در درون نه فقط حسد می ورزند و کینه توز می شوند بلکه، در برون هم اعتراض و پرخاش خود را نسبت به آن جامعهٔ مسلط فریاد می زنند و برای نشان دادن قهر و نفرت خویش جان خود را می دهند و توجهی ندارند که با این اعمال افراد بی گناه را از طفل خُرد سال و جوانان نو رسیده، سالخوردگان در قطار، کوچه و بازار به نابودی و نیستی می کشانند.

– عامل دیگر که عمدتاً انقلاب های عظیمی جهان بدان آبستن است، مقاومت شدید جماعات وسیعی از مردم در برابر حرکت جهان شمولی و جهانی کردن آنست. هرچند اعتراض عدهٔ از این مخالفان مربوط به مخالفت با سرمایه داری لیبرالیسم و سلطهٔ اقتصاد امریکا می شود اما عدهٔ قابل ملاحظه پیهم در چارچوب احساسات محلی و ملی و بربادی فرهنگ ملی باقی مانده اند و سیرجهانی شدن را با اقتصاد و سیاست امروزی در مقایسه می گیرند و در نتیجه به سود خود نمی دانند هر بار که کنفرانس های سران ممالک غنی یا بانک جهانی یا صندوق بین المللی پول و یا خصوصا سازمان تجارت جهانی در نقطه یی تشکیل می شود با تظاهرات میلیونی مردم حتی با خشونت مواجه می گردد.

– نکته دیگری که نا آرامی ها را دامن می زند وضع آشفتهٔ اقتصاد جهان است که در بسیاری از ممالک موجب ورشکستگی های فراوان، افزایش خیل انبوه بی کاران، ازدیاد فقر عمومی، رکود شدید و حتا انحطاط اقتصادی شده و نیز هوشیار ی بسیاری از توده های مردم به این که نا برابری در آمدها و امتیازات اجتماعی امر خدا داده نیست بلکه، مخلوق دست آدمیان و محصولات ساخته های اجتماعی اقتصادی مبتنی بر بی عدالتی است که نا رضایی ها، طغیان ها و حرکات تخریبی را تشدید کرده است. هنوز سخن از میلیارد افرادی که در فقر مطلق به سر می برند در میان است.

– نا امیدی از آینده و نداشتن شغل و فقدان در آمد عاملی برای پرخاشگری بوده است یک نفر در یک جامعه سه جای کار و شغل دارد در حالی که زور دولتی با اوست.

–در میان جوانانی که مواد مخدر مصرف می کنند و اسلحه داشته اند و مکتب را رها نموده اند آشوبگری و استخدام آنها در باندهای مواد مخدر و آشوبگر آمار بالایی داشته است .افسردگی و اضطرابِ ناشی از جنگ های متواتر مشاهده مکرر خشونت در تلویزیون ها، فیلم ها و شنیدن و دیدن صحته های دلخراش از طریقه های مختلف، عامل دیگری برای ادامه و افزایش خشونت و سرکشی است.

– مصرف الکل و دخانیات ممنوع در خشونت و پرخاشگری سهم مهمی دارد. – حالات خود بزرگ بینی و جاه طلبی و بی رحمی در موارد شدید منجر به قهر ضرب و خشم می شود مبتلایان اغلب با هوش و تیزبین هستند افرادی مانند هیتلر و استالین با این عقیده بزرگ خود بینی در تاریخ متا خرین از افراطیون این حالات بوده اند

– ناهنجاری شخصیت اکثراً با مردم آزاری و تند خویی اجتماعی آن با جرم همراه است و انواع تظاهرات بیرونی دارد نوع ضد اجتماعی آن با جرم و جنایات و جقارت خود همراه است از خصوصیات افراد مبتلا این است که در مقابل خشونت و سرسختی خود دیگران را مقصر می دانند و هرگز احساس تقصیر و گناه ندارند. خانوادهٔ نا آرام و پر سر و صدا، پدر و مادری آزار دهنده و نا مهربان، زندان های پرشکنجه، مشاهدهٔ خرابکاری و تروریسم سازمان های مسلح دهری و بی ایمان و بی هدف، سیل و آتش فشان محیط نا امن هم در افزایش خشونت و بربریت دخیل اند. هجوم خاطرات تلخ در طی زمان خواب های آشفته در شب نگرانی و اضطراب حساسیت شدید عصبانیت و قهر و خشم، سوء ظن و در نهایت بر اثر یک میکانیزم دفاعی روانی برخی از مبتلایان که قربانی شکنجه و تعرض روحی بدنی و جنسی شده اند. شخصیت خود را با شخصیت فرد متجاوز و شکنجه گر منطبق می کنند و برای آنکه به خود ثابت کنند از این پس دیگر ضعیف نیستند و قربانی نمی شوند بلکه، قادر اند قربانی نمایند به آزار دیگران می پردازند و آشوب به راه می اندازند.

– تماشای خشونت و فیلم های جنگی کودکان و جوانان را آزرده خاطر می سازد اضطراب به وجود می آورد و احساسات عدم امنیت ایجاد می کند و بسیاری را به خشونت و اغتشاش می کشاند از همین جا تقلید آشوبگری آغاز می گردد.

– شورش و آشوبی که در شرق و غرب عالم به پا خاسته صاحب نظران و اندیشمندان را بر آن داشته که نقطه آغاز آن را بیابند و راه نجات را ارایه دهند پس از خاتمهٔ جنگ سرد و سقوط کمونیزم تدریجاً این اعتقاد به وجود آمد که تمدن غربی با دموکراسی و بازار آزاد به اوج پیروزی خود رسیده است و آن را نظام نوین جهانی خواندند. اما دیری نپایید که این نظام جدید طغیان و عصیان جهانی به پا کرد، توده های محروم فقیر تر شدند و نا امنی کرهٔ زمین را تحت پوشش خود قرار داده نا گهان اقلیتی ثروتمند در میان آنها سر بر آورده خشم و غضب و نفرت شعله کشید و با تعصبات قومی زبانی و مذهبی ممزوج شد و اشکال حیرت آوری از تروریسم و خشونت جلوه کرد.

– بازار زدگی از برکت صدور کالاهای پیشرفتهٔ صنعتی و مواد غذایی بسته بندی شده در رستورانت ها در حالی که از یک سو راه های تازه یی برای امید و پیشرفت باز می کند اما از سوی دیگر فشار روانی احاس عدم امنیت و خشونت به بار می آورد این امر به تفاوت فاحش طبقهٔ فقیر و غنی دامن می زند این بازار جهانی سبب شده است که یک فیصد ثروتمندان جهان بیش از ۷۵درصد ثروت عالم را تصاحب شوند نصفی از ساکنان جهانی با روزی کمتر از ۲ دالر زندگی می کنند و بیش از یک میلیون نفر روزی کمتر از دالر برای ارتزاق خود دارند اقلیتیْ که از برکت بازار آزاد نا گهان ثروت بسیار اندوخته اند با توده یی عظیم از مردمی خشمگین که با کمک دموکراسی و آزادی فریاد خود را بلند کرده و ثروت از دست رفتهٔ خود را طلب می کنند رو به رو شده اند. نتیجه آن است که نه تنها از این سیستم جهانی خوشبختی رخ نگشوده بلکه، خشونت و اعتشاش به بار آمده است.

– پژوهشگران اقتصادی و اجتماعی معتقدند که رژیم سرمایه داری با دو بازوی توانای خود یعنی بازار آزاد و لیبرال دموکراسی در حال پیرشدن است و عملاً در آغاز قرن ۲۱ جهان را بر بستر ناکامی و بیماری انداخته است و آن را بی نظمی جدید جهانی یا اغتشاش نوین جهانی نام نهاده اند شاید بی فایده نباشد که به منشأ این سیستم که به جهانگرایی تبدیل شده است و خشونت و سیستم که به جهانگرایی تبدیل شده است و خشونت و خون ریزی را افزایش داده و جهان را عملاً بیمار کرده است اشاره شود در فلسفهٔ ماده گرایی فرض بر این است که، هویت هر انسانی از نفس اوست. یعنی نفس خود کامه که از طریق ژن و ارث از زمان تولد وجود دارد این نفس پیوسته در پی تملک و تصاحب مال و ثروت است. برای رسیدن به این مقاصد نفسانی با سایرین برخورد می کند و با رقابت دیگران را از سر راه برمی دارد. بازار آزاد و دموکراسی برای آن به وجود آمده است که اینها آنچه را می خواهند به دست آورند باید صنایع جهان و اقتصاد آن تحت نظم در آید. رقابت ها و کینه ها و دسایس از میان برداشته شود موانع و قیود اقتصادی کاملاً الغا و تفاوت فاحش طبقاتی نابود شود. هم فقر و فاقه و هم مالکیت و ثروت فوق العاده از بین برود.

– بد بختانه آنچه در جامعهٔ کنونی دیده می شود این است که انبوه خلائق دچار استثمار لگام گسیخته اصحاب حرص و طمع گشته و عذری را که استثمار کنندگان برای توجیه این وضع می تراشند این است که نیروی بلا ارادهٔ بازار آزاد حاکم به اوضاع است تمام پول به جیب یک مشت مصرف کننده وارد شده و تودهٔ عظیم مردم در محرومیت و تولید کنندهٔ اساسی و عرق ریز همین توده بی قدرت و بی پول باقی بماند.

از علل عمدهٔ نا بسامانی های اقتصادی یکی وضع مالی دولت های بزرگ است که بازار سنگینی از استقراض مسلما به تهیه و خرید سلاح های سنگین و مدرن مرتبط است بی ثباتی اوضاع جهانی و نگرانی از آینده هم مسلماً مشوق سرمایه گزاری نیست تا کار تولید و توسعه رونقی حاصل کند.

– انفجار بی سابقه و ایجاد تفرقه میان مذاهب از طرف جهان خواران هم در خشونت و کشتار های دسته جمعی پیروان مذاهب نقش خراب کننده دارد. اگوست اکنت یکی از بنیان گذاران جامعه شناسی تصور می کرد که دنیای مدرن فقط با علوم و آنهم علم مثبت سر و کار خواهد داشت و حدیث دین و میتافیزیک افسانهٔ کهن خواهد شد در حالی که دنیای قرن بیست و یک دائما ما را با قضیهٔ دین اعم از افراطیون یا کشمکش میان مذاهب یا ظهور فرقه های غریب و عجیب و امثال آن مواجه می کند بر خورد شدید میانْ دولت ها و این نوع فرقه مذهبی و یا گروه های مدعی دیگر یکی از مشخصه های قرن حاضر شده است به عقاید و افکار مردم تعرض کردن عوامل بحران و خشونت شده و تلفات ناشی از این تعرضات همین اکنون بی سابقه است و همه روزه جهان را در ورطهٔ هلاکت سوق داده می شود.

– از عوامل دیگر بحران و خشونت دگرگونی های بزرگ وسایل ارتباط و مخابره جمعی هستند که در عین یاری به سرعت مخابرات و مبادلات علمی و فکری به انواع جرم ها و جنایات از جمله سرقت شمار کارت های اعتبار مردم ترویج فساد اخلاقی حتا نحوهٔ ساختن بمب های دستی و راه خرابکاری و نشر عکس و اسم و نشانی فاسدان مفسدی چون متجاوزان به اطفال معصوم هرزه خانه ها کمک کرده و می کنند. ظاهرا در دنیای آزادی طلب امروز راهی برای مقابله با این موارد خطیر سوء استفاده وجود ندارد. امروز به مدد کامپیوتر می توانند سرکسی را به تن دیگری سوار کنند و این تصرفات راه به بسا زمینهٔ غارت برای تلقینات سوء تهمت و افترا و شانتاژ باز کرده و می کند.

– دگر از عوامل خشونت و جنگ های گوناگون تصاحب شدن قدرت از راه غیر رای و رضایت مردم همان کشور است که به زور یا نیرنگ بالای شرافتمندان حکومت خود را تحمیل و آن را به دوره های متعدد دوام می دهد بدون این که به ملت ها توجه شود به دین و آئین آنها وقعی گذاشته شود، تاریخ و سنن آن را مدنظر داشته باشند هستی مادی و معنوی آنها را به مسخره گرفته، تاراج می دارند. آنقدر چشم سفید اند که مردمان زیادی از این کشورها را در گرسنگی، نفاق، کم اطلاعی و بی خبری ایجاد جو مجازی و غیره نگاه داری می نمایند و جای قانون و حق را زور می گیرد نهایتا مردم با ایمان این کشور ها طبعا به مقابله و رهایی از این منجلاب وارداتی می شوند و نتیجهٔ هرج و مرج و خونریزی و کشتار است.

– در جامعهٔ کنونی ما که روز به روز خشونت رو به افزایش، و حاد شدن می رود ضمن عوامل فوق الذکر انهدام پایه های اخلاقی است که جنبهٔ حیاتی برای آیندهٔ بشر دارد. امروز همه جا خود پرستی بر رفتار بشر حاکم است و این بربنیاد روحانی و مکتب الهی می تواند در یک سیستم عالی در سطح ملی و بین المللی از میان بشر زدوده شود. دنیا بدون دین به زندگی خود ادامه داده نمی تواند. احکام و اوامر دین در صدر اقدامات جهانی باید قرار بگیرد که هم بشر اصلاح گردد و هم بدون اغراض نفسانی زندگانی داشته باشیم دین باید در کوچک ترین زوایای زندگی مراعات گردد.

◇ راوی

«ماستیف» چگونه شکار ماین شد؟

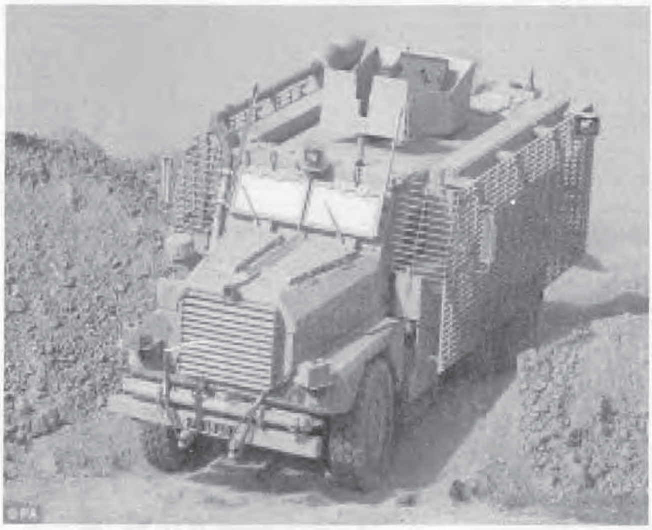
در چند سال اخیر انفجار بمب های کنار جاده بزرگترین تلفات را به نیروهای افغان و خارجی وارد آورده است. در مواردی هم انفجار این بمب ها جان تعداد زیادی از افراد غیرنظامی را نیز گرفته است.

این بمب ها اکثراً دست ساز اند و طالبان این ماین ها را با استفاده از موادی چون آمونیم نایتریت که یک نوع کود کیمیاوی بوده و در پاکستان تولید می شود، می سازند. مواد بکار رفته در این نوع مین ها که با آمونیم نایتریت مخلوط می شوند اکثراً موادی اند که در بصورت جداگانه بی خطر اند و برای مصارف روزمره کار بُرد دارند مانند رنگ روغنی که می توان آنرا در بازار آزادانه بدست آورد.

در طول چند سال گذشته طالبان در ساختن چنین بمب ها مهارت حاصل کردند. در یکی ازسایت های انترنتی طالبان در مصاحبه ای با یک طالب که در ساختن بمب با چنین مواد انفجاری مهارت داشت آمده بود که وی همراه با پسرش با مصرف ۱۵۰۰ دالر، مقدار مواد انفجاری را تولید کرده که توسط آن بیش از ده تانک و نفربر زرهی خارجی را نابود کرده است. این شخص در خانهٔ خود در نزدیکی جادهٔ عمومی در یک روستا زنده گی می کند و خانهٔ او هم مانند سایر خانه های این روستا بارها مورد بازرسی نیروهای خارجی و افغان قرار گرفته اما هیچ چیز مشکوک در آن بدست نیامده است.

تجربهٔ نیروهای خارجی:

تجربهٔ جنگ در افغانستان برای نیروهای خارجی هم درس آموز بود. آنها در مدت کوتاهی خود را با شرایط جنگ در افغانستان هماهنگ ساختند و چون بیشترین تلفات را از انفجار بمب های کنار جاده بر نیروهای خارجی وارد می آمد، وسایل زرهی مقاوم تری را به افغانستان ارسال نمودند. نیروهای انگلیسی در ابتدا از جیپ های عادی رینجر استفاده می کردند اما به دلیل بلند رفتن تلفات نیروهای شان در نتیجهٔ ماین گذاری طالبان، وسایل زرهی مصوون تری را وارد صحنهٔ نبرد کردند. مدرن ترین نفربر زرهی انگلیسی به نام Mastiff «ماستیف» به عنوان وسیله ای شناخته می شد که اصلاً هراسی از بمب های دست ساز کنار جادهٔ طالبان نداشت و انفجار ماین های دست ساز صدمهٔ زیادی به آن وارد



نمی آورد و خدمهٔ آنرا مصوون نگه می داشت.

مصوون ترین زره پوش جهان:

دیوید کامرون صدراعظم انگلستان زمانی که این نفربر زرهی به نیروهای انگلیسی سپرده می شد گفت که نیروی نظامی سلطنتی انگلستان با ساختن این نفربر به بهترین تکنالوژی نظامی در بخش زرهی دست یافته است. زره پوش ماستیف در سال ۲۰۰۷ رسما به بهره برداری سپرده شد. زرهپوش ماستیف از گرانترین زره پوش های جهان بوده و ارزش آن به بیش از یک ونیم میلیون ذالر تخمین می شود.

تلفات سربازان انگلیسی در افغانستان یکی از عوامل مخالفت مردم بریتانیا با جنگ در افغانستان بود که با سپرده شدن این زرهپوش به نیروهای انگلیسی، تلفات این نیروها در نتیجهٔ انفجار بمب های کنار جاده کاهش یافت و موجب کاهش مخالفت مردمی و در نتیجه کاهش فشار افکار عمومی بر سیاستمداران جنگ طلب این کشور شد.

استفاده از تکنالوژی «مرکاوا»؟

زره پوش ماستیف با استفاده از همان تکنالوژی ساخته شده بود که اسرائیلی ها تانک «مرکاوا» را ساختند. مرکاوا قوی ترین تانک دنیاست که برای حافظت از جان خدمهٔ آن، از زره مخصوص ساخته شده است. اسرائیل برای کاهش تلفات سربازانش در جنگ، تلاش کرد تا تانکی بسازد که زره آن دربرابر ماین های جاده و راکت های آر- پی - جی مقاومت داشته باشد. حاصل این تجربه، قدرتمند ترین تانک دنیا یعنی مرکاوا بود.

اما تکنالوژی جنگی هرقدر هم که پیشرفت نماید، برای مقابله با آن سلاح های جدید بمیان می آید. در حملهٔ ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ اسرائیل به نوار غزه، فلسطینی ها توانستند سه دستگاه تانک مرکاوا را هدف قرار دهند که در نتیجه هفت سرباز اسرائیلی در آنها کشته شدند. این واقعه نشان داد که قوی ترین تانک جهان هم نمی تواند کاملاً آسیب پذیر باشد.

اسرائیلی ها بعدا اصلاحاتی را در این تانک بمیان آوردند و انواع جدیدی از آنرا به میدان نبرد آوردند. در جنگ حزب الله با اسرائیل در سال ۲۰۰۶، نیروهای حزب الله در لبنان موفق به نابودی ده ها تانک اسرائیلی از نوع مرکاوا شدند که تعدادی زیادی از سربازان اسرائیلی را کشته و مجروح ساخت. در هردو مورد گفته شد که ایران با دادن مواد انفجاری قدرتمند به حماس و حزب الله، چنین تغییری را در میدان جنگ بمیان آورده است.

شکار ماستیف توسط ماین:

کشته شدن سه سرباز انگلیسی و مجروح شدن تعدادی دیگر در جریان عملیات گشت زنی با زره پوش ماستیف در ولسوالی نهر سراج ولایت هلمند که در نتیجهٔ انفجار ماین صورت گرفت، اکنون در میان نیروهای خارجی این سوال را بمیان آورده است که طالبان این مواد انفجاری را از کجا بدست آورده اند؟ تحقیقات نشان می دهد که این مواد انفجاری به مراتب قوی تر از مواد معمولی بوده که طالبان از آن در ماین گذاری استفاده می کنند.

رسانه های انگلستان از قول بعضی از نظامیان انگلیسی در افغانستان نوشته اند که آنها روی این مسئله تحقیق می کنند که آیا موادی که در انفجار ماستیف از آن کار گرفته شد از نوع موادی است که حزب الله در لبنان علیه تانک های مرکاوای اسرائیلی بکار گرفته بود یا نه؟ آنها در انفجار این ماین در نهرسراج، در صدد یافتن جای پای ایران در کمک های جدید به طالبان اند.

اما باید این نکته را در نظر داشت که طالبان از مدت ها قبل از این مواد در واسکت های انفجاری استفاده می کردند و مقدار بسیار اندک از آن برای ایجاد انفجار و تخریب کافی بود. به نظر می رسد که اکنون مقدار بیشتری از این مواد را بدست آورده اند که در ماین های کنار جاده هم آنرا بکار می گیرند و این به معنی آسیب پذیر تر شدن وسایل زرهی نیروهای خارجی در افغانستان است.

قانون منع خشونت علیه زنان، نیازمند توجهٔ بیشر...

این قانون که سه سال پیش توسط فرمان تقنینی رئیس جمهور، امضاء و لازم الاجرا شده بود، نیاز بود تا به تصویب مجلس نمایندگان برسد، اما اختلاف دیدگاه میان دو تیپ از نمایندگان بحث بالای این قانون را به زمانی دیگر برد.

در برخی از ماده های طرح قانون منع خشونت علیه زنان که از طرف حکومت برای تصویب به شورای ملی فرستاده شده چنین آمده است: "پدری که مانع ازدواج دخترش شود به دو سال حبس، کسی که دختر زیر سن ۱۴ را به ازدواج بدهد دوسال حبس، ازدواج با دو زن دوازده ماه و با سه زن ۱۸ ماه حبس، شوهری که زن خود را بزند بدون این که زنش جراحت برداشته باشد به دوسال حبس محکوم می گردد. یکی از بندهای این قانون که اکثریت نمایندگان مجلس نمایندگان با آن به مخالفت برخاستند، تعیین ۱۶ سالگی به عنوان سن قانونی ازدواج برای دختران و دیگری کم شدن تعداد زنان عقدی است که مردان مجاز به داشتن شان بطور همزمان هستند. به موجب این طرح مردان تنها مجاز به داشتن دو زن عقدی به شکل همزمان هستند.

اکثریت نمایندگان تهدید کردند، در صورتی که این طرح تبدیل به قانون شود عواقب بد را در پی خواهد داشت. بنا برآن عبدالرووف ابراهیمی رئیس مجلس بحث روی این موضوع را به وقت دیگر موکل نمود. خانم فوزیه کوفی رئیس کمیسیون زنان، از نمایندگان مردم خواست تا این طرح را به تصویب برسانند. او گفت: "من از برادران خود در خانهٔ ملت می خواهم همانگونه که زنان و مردان طی سال های اخیر از یک کارت در مسایل مختلف استفاده کرده اند، به این طرح رأی مثبت بدهند، تا دست آوردهای زنان زیر سوال نرود و امیدی برای بهینه شدن زندگی بهتر برای زنان این جامعه میسر گردد". اما نمایندگان به شدت به این طرح مخالفت نموده و برخی ماده های آن را کفر آمیز خواندند.

در پی رد این طرح، برخی نهادهای مدنی و دانشجویان دانشگاه کابل، جامعه زنان در هرات، با تشکیل گردهمایی ها دست به اعتراض زدند و از رئیس جمهور خواستند تا در تصویب این طرح مدافعان حقوق زنان را کمک کند. در همین حال تعدادی دیگری در حمایت از رد این طرح، در جلال آباد و دانشگاه کابل دست به اعتراض زدند.

پس از سقوط طالبان در ۱۲ سال قبل، زنان افغانستان توانستند حق تحصیل و کار را بدست بیاورند ولی بسیاری ها نگرانند که به دنبال خروج نیروهای ناتو تا پایان سال ۲۰۱۴ میلادی آزادی های بدست آمده از کف برود. روی هم رفته زنان افغانستان نیازمند حمایت های حقوقی و قانونی هستند. زیرا آمار خشونت های بدست آمده از وزارت امور زنان نشان می دهد که هنوز زنان افغانستان به عنوان (مادران و خواهران) در نتیجهٔ نا فهمی ها و و ذهنیت های قهقرایی قربانی می شوند.

مروری بر حوادث امنیتی

○ فیض



۲۷ثور:

• در انفجاری که در مربوطات شهرک عینو مینهٔ شهر کندهار - **محل تفریحگاه** - صورت گرفت، دراین رویداد ۹ تن کشته و ۷۰ تن که اکثر آنها مردم ملکی بودند، مجروح شدند.

۲۸ ثور:

• در اعلامیهٔ دفتر مطبوعاتی قوماندانی امنیهٔ کابل آمده است که، در نتیجه سعی و تلاش پولیس کابل یک حلقه ماین ضد وسایط ۲۰ کیلویی که در ساحهٔ بند نغلو ولسوالی سروبی غرض انجام عمل تخریبی جابجا گردیده بود، کشف و خنثی گردید.

• دردو انفجار در ولسوالی سنگین هلمند شش پولیس و یک زن به شهادت رسیدند.

• شش ماین گذار زمانی که قصد داشتند چند حلقه ماین را در مسیر مختلف ولسوالی دلارام ولایت نیمروز جاسازی نمایند، حین جاسازی ماین ها انفجار کرد و شش ماین گذار کشته شد و دو ماین گذار دیگر زخم برداشته است. همچنان چهار ماین گذار دیگر درحادثهٔ مشابه در مربوطات ولسوالی گیلان ولایت غزنی کشته شدند.

• دوهم سارن عبدالغنی قوماندان امنیهٔ ولسوالی خاک سفید ولایت فراه در حالی که از وظیفه به سوی خانه اش در حرکت بود شب هنگام در ساحهٔ چهارباغ شهر فراه در یک حملهٔ تروریستی به شهادت رسید.

• به گفتهٔ والی هرات به رسانه ها، علی سینا نوروزی کودک هشت سالهٔ یک بازرگان هراتی که چند ماه پیش از سوی رbایندگان ربوده شده و بعداً به قتل رسانیده شده بود، دو تن ربایندگان بعد از تایید محکمهٔ سه‌گانه و توشیح رئیس جمهور، در زندان ولایت هرات اعدام شدند.

• بر اساس خبر نامهٔ دفتر والی ولایت میدان وردک، بر اثر عملیات در ولسوالی سیدآباد یکی از فرماندهان ارشد طالبان به نام وزیر احمد کشته و ۳ تن از افرادش مجروح شدند.

۳۰ثور:

• محمدرسول محسنی رئیس شورای ولایتی بغلان در انفجار انتحاری در برابر دفتر شورای ولایتی در بغلان کشته شد. به گفتهٔ رسانه ها، در این رویداد انتحاری ۱۲ تن دیگر نیز کشته شده و ۹ تن دیگر جراحت برداشته است.

به گفتهٔ سخنگوی والی بغلان، شش تن از کشته شده گان ماموران امنیتی و بقیه غیرنظامی بودند.

• در اعلامیهٔ دفتر مطبوعاتی ریاست عمومی امنیت ملی آمده است، یک محمولهٔ حامل شش هزارکیلوگرام مواد انفجاری که از سوی آی اس آی سازمان استخبارات پاکستان برای طالبان مسلح در افغانستان ارسال شده بود در ولایت کندز کشف شد و دستگیر گردیده است. گفته می شود که این محموله برای گروه های تروریستی در ولایت های بدخشان، کندز، تخار و بغلان در شمال شرق کشور ارسال شده بود.

• پس از دو هفته از اختطاف محمد حسن هاشمی، کارمند رادیوی محلی صدای نجراب، جسد وی در نزدیکی منزلش در ولسوالی نجراب ولایت کاپیسا، پیدا شد. مسؤولان امنیتی کاپیسا در مورد انگیزه های احتمالی این قتل جزئیاتی ارائه نکرده اند.

۳۱ثور:

• مؤظفین ریاست عمومی امنیت ملی طی چندین عملیات خاص اوپراتیفی هفت تن تروریستان را که مصروف فعالیت های تروریستی و تخریبی، حمله بالای نیروهای امنیتی، جمع آوری و توزیع پول برای گروه های تروریستی، در مربوطات شهر کابل و ولایات غزنی، لوگر، پکتیا و میدان وردک بودند، دستگیر نموده اند.

• ۱۱۵ تن از شاگردان لیسهٔ نسوان اسلام قلعهٔ ولسوالی شیرین تگاب ولایت فاریاب، دچار مسمومیت شدند.

• یک ماین بر موتر محافظان بند سلما در ولسوالی چشت شریف ولایت هرات انفجار کرد و طی آن، هفت پولیس کشته شد.

اول جوزا:

• تعدادی از دانش آموزان دختر در مکتب لیسه نسوان "سید آباد" مرکز بامیان، دچار مسمومیت گردیده و توسط مسوولین معارف و خانواده های شان جهت تداوی به شفاخانه مرکز بامیان انتقال داده شدند. محمد رضا ادا رئیس معارف بامیان در صحبت با رسانه ها علت این مسمومیت را چنین وانمود نموده است: " تعدادی از شاگردان بوت های شان شان را کشیده بودند و بوی عرق پای آن ها و هوای حبس صنف باعث این مشکل گردیده که ما پنجره های صنف را باز نمودیم تا هوای تازه داخل اتاق شود."

• بر اثر انفجار یک ماین، در ولسوالی "نادعلی" ولایت هلمند که از سوی شورشیان طالب در نزدیکی یک شفاخانه جاسازی شده بود؛ ۱ فرد ملکی کشته و ۳ تن دیگر مجروح شدند.

• به گفتهٔ مقام های محلی در ولایت غزنی، وقوع یک حمله انتحاری در بازار ولسوالی مقر این ولایت، منجر به کشته و زخمی شدن حداقل ۲۴ نفر شده است.

۲ جوزا:

• به گزارش رسانه ها، مدیر مبارزه با هراس افگنی فرماندهی پولیس ولسوالی ادرسکن، ولایت هرات از سوی افراد مسلح نانشاس به قتل رسید.

• معاون سخنگوی ریاست عمومی امنیت ملی در یک نشست خبری از رهایی یک تبعهٔ ترک از نزد آدم ربایان در یکی از نواحی شهر کابل - بدون کدام معاملهٔ پولی - خبر داد. این شخص که سامی فرزند عدنان تبعهٔ کشور ترکیه و یکی از تاجران و سرمایه گذاران در افغانستان است یازده روز قبل توسط آدم ربایان از شهر کابل ربوده شده بود.

• افراد مسلح ناشناس پدر محمد نبی کپیتان تیم ملی کرکت افغانستان را در نزدیکی شهر جلال آباد، اختطاف کرده اند.

نامهٔ ادارهٔ مرکزی احصائیه به جواب مقالهٔ «معمای نفوس در افغانستان»

در شمارهٔ هفتم مورخ ۲۱ ثور ۱۳۹۲ هفته نامهٔ وزین مجاهد مقالهٔ تحت عنوان "معمای نفوس در افغانستان" به نشر رسیده که مطالب مندرج آن ممکن است ناشی از سوء تفاهم یا عدم اطلاع نویسنده باشد. بخاطر روشن شدن واقعیت ها نکات زیر را قابل تذکر دانسته و از هفته نامهٔ وزین مجاهد می خواهیم این را به جواب مقاله متذکره به نشر برساند.

این ادعا که "سرشماری نفوس در افغانستان هیچ گاه به صورت علمی صورت نگرفته" درست نیست، زیرا در سال ۱۳۵۸ ادارهٔ مرکزی احصاییه به کمک مالی و تخنیکی صندوق جمعیت ملل متحد نخستین سرشماری نفوس و مسکن را با رعایت تمام موازین علمی و سفارشات ملل متحد برای سر شماری های دههٔ هفتاد مورد تطبیق قرار داد. اما متأسفانه این سرشماری در بعضی از مناطق کشور به علت آغاز جنگ و عدم کنترول دولت وقت، در آن مناطق تطبیق شده نتوانست. اما این خلای ارقام با استفاده از معلوماتی که در مورد نفوس و خانوارهای کشور قبل از سال ۱۳۵۸ در مرحلهٔ مقدماتی سرشماری جمع آوری شده بود، پر شد.

علاوه بر آن طی سال های ۱۳۸۲ – ۱۳۸۴ از همه خانوارهای کشور از طریق سروی دروازه به دروازه در مورد نفوس معلومات مستند و دقیق جمع آوری شد که اساس تخمین های نفوس اداره مرکزی احصاییه را تشکیل می دهد. لازم به تذکر است که این تخمین ها با رعایت اصول و موازین علمی دموگرافی و استفاده از فورمول ثابت شدهٔ ریاضی صورت گرفته و معلومات مفصل را به تفکیک ولایت و ولسوالی و جنس به دسترس استفاده کننده گان قرار می دهد.

اما آنچه را نویسنده به عنوان تخمین نفوس ادارهٔ مرکزی احصائیه نقل قول کرده یک نقل قول درست به نظر نمی رسد، زیرا در هیچ یک از نشریه های ادارهٔ مرکزی احصائیه نفوس افغانستان ۵,۲۸ میلیون نفر نشر شده است. در عین حال، فهمیده شده نتوانست که نویسندهٔ مقاله این رقم را از کجا دریافت کرده است. تخمین ادارهٔ مرکزی احصائیه از نفوس کشور در سال ۱۳۹۲ که در نشریهٔ این اداره چاپ و جهت استفاده نشر شده، بالغ بر ۲۷,۵ میلیون نفر می شود. که با ارقام نشر شده در «مجاهد» تفاوت بسیار زیاد را نشان می دهد.

از اینکه نیاز به سرشماری نفوس وجود دارد با نویسنده هم عقیده هستیم، اما تطبیق یک سرشماری دقیق مستلزم شرایط امن کار ساحوی برای کارکنان سرشماری می باشد که متأسفانه در حال حاضر وجود ندارد. ادارهٔ مرکزی احصائیه آماده است تا در صورت مساعدت شرایط امنیتی یک سرشماری دقیق نفوس و مسکن را به صورت شفاف با استفاده از روش های قبول شدهٔ بین المللی در کشور تطبیق کند.

در رابطه با موجودیت ارقام برای پلانگذاری قابل تذکر می دانیم که ادارهٔ مرکزی احصائیه سروی ملی خطرات و آسیب پذیری را بصورت موفقانه تطبیق کرده است که معلومات جمع آوری شده در این سروی می تواند نیاز مراجع پلانگذاری را تا حدود زیادی مرفوع سازد.

در مورد تخمین نفوس باید متذکر شویم که بنا بر پر مصرف بودن سرشماری ها وسیع بودن این عملیه همه کشور ها بدون کدام استثناء در فاصله میان دو سرشماری ارقام نفوس کشور شان را جهت استفادهٔ پلانگذاران تخمین می کنند. و حتی در یک تعداد موارد نفوس را برای مدت های طولانی تر تخمین کرده و زمانی که معلومات جدید بدست می آورند بر تخمین های قبلی تجدید نظر می کنند. این به معنی آنست که تخمین نفوس یک پدیدهٔ قرون وسطایی نه بلکه، یک پدیدهٔ معاصر است که همه کشورها به آن مبادرت می ورزند و در پلانگذاری های خود از آن استفاده می کنند. البته در پایان لازم به تذکر می دانیم که توزیع تذکرهٔ تابعیت از صلاحیت های وزارت محترم امور داخله بوده و چنانچه لازم دانند در زمینه به جواب خواهند پرداخت.

مجاهد:

با تشکر از ادارهٔ مرکزی احصائیه که مطالب مربوط شانرا دنبال می نمایند، به راستی هم نبود آمار شهروندان کشور از چالش هایی است در مواردی که بر می خوریم بهتر احساس می شود. در مورد مطلب منتشرهٔ هفته نامهٔ مجاهد که به پاسخ آن پرداخته اید، در صورت لزوم نویسندهٔ محترم به آن پاسخ خواهند گفت. اما روی آمار نفوس تخمینی که نویسنده آنرا ۲۸/۵ میلیون تحریر داشته و با اشتباه تایپی ۵/۲۸ میلیون آمده است، معذرت ما را بپذیرند.

ادارهٔ هفته نامهٔ مجاهد

قانون انتخابات تصویب...

قانون تشکیل و صلاحیت های کمیسیون مستقل انتخابات که از سوی ولسی جرگه تصویب شده بود، جهت توشیح به رئیس جمهور کرزی فرستاده شده بود، آقای کرزی با پیشنهاد تغییرات در (۸) مورد این قانون، آن را دوباره به ولسی جرگه فرستاد. مجلس نمایندگان روی این قانون - تشکیل و صلاحیت های کمیسیون انتخابات - بحث نمودند، اما تا حال به تصویب نرسیده است.

تا جایی که دیده می شود این تصویب و توشیح ها زمانگیر شده است، در حالی که تا چند ماه دیگر عملاً کار های مربوط به انتخابات دور سوم ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی آغاز خواهد شد که در نبود قانون خالی از چالش نخواهد بود.

هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

●مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم –سال دوازدهم –شمارهٔ نهم ٤ جوزای ١٣٩٢   ١٥ رجب١٤٣٤ - 25 May 2013

والی بدخشان:
آی اس آی در صدد ایجاد پایگاه در بدخشان است



شاه ولی الله ادیب والی ولایت بدخشان در تازه ترین اظهاراتش گفته است که، آی اس آی سازمان استخباراتی کشور همسایه پاکستان در صدد ایجاد پایگاه های جدید برای مخالفان در این ولایت است.

با اوج گیری درگیرها در بدخشان و کشته شدن ۵ مخالف مسلح، والی بدخشان گفته است که سازمان استخبارات پاکستان در صدد تاسیس پایگاهای جدید برای مخالفان مسلح، در مناطق کوهستانی این ولایت بوده و از این طریق قصد دارد ناامنی را به کشورهای همسایه صادر نماید.

در عین حال عبدالمعروف راسخ سخنگوی والی بدخشان گفته است که پنج مخالف مسلح زمانی کشته شدند که نیروهای امنیتی در منطقهٔ داون ولسوالی شهر بزرگ سرحد تاجیکستان در حالی کشته شدند که نیروهای امنیتی در حال گشت زنی بودند.

شاه ولی الله ادیب که روز گذشته در گردهمایی با حضور صدها تن در شهر فیض آباد مرکز بدخشان، صحبت می کرد، گفت: "بدخشان در گذشته سنگر مقاومت بوده، اما دشمنان وطن ما خصوصاً آی اس آی می خواهد این سنگر مقاومت را بشکناند و می خواهند راه اکمالاتی را از طریق چترال و نورستان باز کنند و صفحات شمال را نا امن بسازند." والی بدخشان هشدار داد که، با گرم شدن هوا این تهدیدها بیشتر شده می رود و باید تدابیر امنیتی در سرحدات بدخشان با پاکستان تشدید شود. بدخشان یکی از ولایات کوهستانی در زون شمال شرق کشور می باشد که با پاکستان، تاجیکستان و چین سرحد دارد.

چند ماه پیش ولسوالی های سرحدی با پاکستان از جمله وردوج شاهد درگیری های خونین بود. این درگیری ها هفته ها به طول کشید و طرفین ادعا نمودند که بر یک دیگر تلفات هنگفتی را وارد نموده اند. این در حالیست که هنوز هم اخبار ضد و نقیض از بدترشدن اوضاع از این منطقه به گوش می رسد.

د پاکستان نوي حکومت ته ورپیښ گواښونه

◇رفیق بحر

د پاکستان په وروستیو ترسره شوو ټاکنو کې په مرکزي پارلمان او پنجاب آیالت کې اکثریت کتونکی گوند د پاکستان مسلم لیگ د نواز شریف گوند دی چې ورته په دریم ځل ددغه ډیر نفوسه هیواد د لومړي وزیری چانس برابریږي.

نواز شریف چې د پخواني پوځي واکمن شهید جنرال ضیاء الحق په واکمنی کې د پنجاب آیالت د لومړی وزیر په توگه له رامینځته کیدو سره شهرت پیدا کړی وو یو متمول لاړښود دی چې د بل پوځي واکمن جنرال مشرف لخوا هغه مهال تر زندانه ورسید چې کله یې د حکومت پر خلاف د نوموړي لخوا پوځي کودتاه ترسره شوه او بیا د سعودي عربستان په مینځگړیتوب له هیواد څخه سعودي ته جلا وطن شو او بیرته د راتگ زمینه یې هغه مهال برابره شوه چې بیا د مشرف پر خلاف ملي پاڅون اوج واخیست او دا ځل د یو سازش له مخې مشرف انگلستان ته جلا وطن شو او چې کله بیرته ولسواکي رامینځته شوه نو نواز شریف پاکستان ته راستون شو؛ نوازشریف ته په ټاکنو کې د گډون اجازه نه وه چې دغه سازش د خلکو گوند پاکستاني پوځ او نواز شریف ترمینځه شوی وو.

اوس چې د لومړي ځل لپاره د پاکستان په تاریخ کې د یو منتخب حکومت لخوا د خپلې مودې پوره کولو وروسته ټاکنې ترسره شوې نو دا ځل نوازشریف پداسې حال کې بریالی شو چې د پاکستان پوځي کړیو لخوا د نوموړي او هم د خلکو گوند د اثر کمولو لپاره ځینې مانورونه ترسره شوی وو، لکه د عمران خان او طاهر القادري اوږدې مظاهرې، چې د خلکو گوند د خپل ناکام سیاست له مخې انزوا ته لاړ او د مسلم لیگ نواز شریف گوند وکولای شو د پاکستان په مرکزي پارلمان کې ډیرې څوکۍ لاسته راوړي چې لامله یې نواز شریف د خپل گوند د بریالیتوب اعلان او د لومړي وزیری اعلان هم وکړ او د امریکا په شمول ډیرو ورته د بریالیتوب مبارکی وویله، چې افغان ولسمشر کرزي هم ورته مبارکي ویلې ده.

خو دا چې څنگه به وکولای شي د هغو دوه وو چیلنجونو په وړاندې مقابله وکړي چې پاکستان ورسوه دا وخت مخ دی؛ چې یو د امریکا لخوا د ترهگرۍ پر خلاف د اعلان شوې جگړې په لړ کې د پاکستان په قبایلي سیمو باندې د بې پیلوټه الوتکو بمباری دي؛ چې پاکستاني عوام یې مخالف دي او د نواز شریف او عمران خان د گوندونو د بریالیتوب راز هم پدې کې وو چې دغو دواړو گوندونو د ((ډراوون)) الوتکو د بمبار په څغرده مخالفت د خپل ټاکنیز بهیر غټ شعار گرځولی وو. او بل د پاکستان خرابه اقتصادي وضع ده چې د امریکې له مرستې پرته دغه هیواد په گاونډ کې د خپل روایتي حریف اتومي ځواك لرونکي هند سره د پخوانۍ دښمنۍ او د کشمیر په سر تاریخي لانجه گالل نه شي ترسره کولای.

د دوهمې مسئلې په اړه چې د کشمیر په سر او په ټوله کې د حریفو هیوادونو په توگه تل دغه دواړه هیوادونه یو بل سره تورنوي؛ چې پر خلاف یې ورانکاري کوي او د نا امنیو په پیښو کې یو بل په لاسوهنه تورنوي، د هند ولسمشر او د بهرنیو چارو وزیر خپلې لومړنۍ څرگندونې داسې کړي چې د نواز شریف په راتگ سره به د مذاکراتو لړۍ جاري وساتي او د خپل اقتصادي وضعې د ښه والي لپاره به گډ کوښښ وکړي او څو ځلې پدې هکله ددغه گوند یو مخور اقتصاد پوه سرتاج عزیز هم ورته څرگندونې کړي دي.

د لومړي گواښ په هکله ددغه گوند بل مخکښ لاړښود د سنا مجلس پخواني مشر وسیم سجاد ویلي چې دوی به کوښښ وکړي څو امریکا پدې قانع کړي چې په قبایلي سیمو کې د بې پیلوټه الوتکو بمباری د ترهگرۍ د ختمولو پر ځای نوره هم ترهگري ډیره کړې ده؛ په سیمه کې په ناڅاپي توگه د انسانانو وژنه نوره هم دښمني زیږوي او چې هر ځل څوك ددغو الوتکو ټارگېټ شي نو بیا د انتقام هڅه یې له ډیرو لوریو څخه صورت مومي چې دا د جگړې اور نور هم غزوي. دا یو معقول دلیل دی او په رښتیا هم په پښتون میشتو سیمو کې له زور څخه کار اخستل ښې پایلې نلري او امریکا دغه جگړه په زور کارولو سره نشي گټلی، تر څو یې

۴مخ

پوهاند دکتور پوپل وفات کرد



دانشمند شهیرکشور پوهاند دکتور محمد اکبر پوپل استاد دانشکدهٔ زراعت و رئیس اسبق پوهنتون کابل به اثر مریضی که عاید حالش گریده بود داعی اجل را لبیک گفت و به جاویدانگان پیوست.

مرحوم پوهاند دوکتور محمد اکبر پوپل فرزند فضل محمد خان در سال ۱۳۲۵ در ولسوالی امام صاحب ولایت کندز در یک خانوادهٔ روشنفکر دیده به جهان گشود.

موصوف تعلیمات ابتدائی اش را در ولسوالی امام صاحب به پایهٔ اکمال رسانید و بعداً شامل لیسهٔ زراعت ولایت کابل گردید و در سال ۱۳۴۴ هـ ش فارغ و شامل دانشکدهٔ زراعت پوهنتون کابل شد که بعد از اخذ درجهٔ لیسانس در سال ۱۳۵۱ شامل کادر علمی گردید.

با استفاده از یک بورس تحصیلی عازم ایالات متحدهٔ امریکا شد و در پوهنتون نبراسکای امریکا شامل پروگرام ماستری گردید که بعد از اخذ درجهٔ ماستری در رشتهٔ حفاظهٔ نباتات به وطن باز گشت و در مسلک والای استادی مصدر خدمت گردید.

مرحوم پوهاند دوکتور محمد اکبر پوپل برعلاوهٔ کرسی استادی سمت های ریاست دانشکدهٔ زراعت، معاونیت علمی و ریاست پوهنتون کابل را نیز ایفا نموده است.

مرحوم در جریان خدمت استادی خویش بالاتر از ۳۰ اثر علمی و تحقیقی را در ژورنال های ملی و بین المللی به نشر رسانیده و کتاب های درسی را نیز به چاپ رسانیده است. دوکتورای افتخاری را از پوهنتون کیوتوی جاپان نیز اخذ نموده است.

جنازهٔ مرحومی روز ۳۱ ثور سال جاری از کشور هند به میدان هوائی کابل انتقال و به ساعت ۵ عصر بعد از ادای نماز جنازه در مسجد عیدگاه، در حضیره آبائی شان به خاک سپرده شد.

روحش شاد و جایگاهش بهشت برین باد.

افزایش نا امنی در افغانستان و نگرانی سازمان پیمان امنیت جمعی

در پی افزایش نا امنی ها در افغانستان، که سبب نگرانی نیکلای باردیوژا دبیرکُل سازمان پیمان امنیت جمعی نیز شده است، وی در یک نشست رسمی با میروسلاو ینچا نمایندهٔ ویژهٔ دبیر کُل سازمان ملل، نگرانی اش را در امور کشورهای آسیای مرکزی و وضعیت افغانستان مورد بحث و بررسی قرار داد و از امنیت در منطقه ابراز نگرانی کرده است.

دبیرکُل سازمان پیمان امنیت جمعی با ابراز نگرانی از این موضوع، به سازمان ملل متحد هشدار داده که به دنبال راه حل جدی باشند.

به گفتهٔ این سازمان، بیم آن می رود که گروه های افراطی از قلمرو افغانستان به خاک آسیای میانه وارد شوند و امنیت کشورهای منطقه را به خطر مواجه سازند. خشونت ها در افغانستان ظرف ماه های اخیر به شدت افزایش یافته است. به همین علت نهادهای بین المللی تاکید می کنند که بایستی همکاری ها بین کشورهای آسیای مرکزی در امر مبارزه با تروریسم تقویت یابد.

نمایندهٔ ویژهٔ دبیر کُل سازمان ملل در امور کشورهای آسیای مرکزی، حل بهبود و ثبات امنیت را فقط در پرتو تلاش کشورهای منطقه عنوان کرده گفته است که، همکاری ها بین کشورهای آسیای مرکزی در امر مبارزه با تروریسم تقویت یابد.